

د کلاماسیون در چارچوب امپریالیسم

مؤلف:

دکتر سید وحید عمادی

www.ketab.ir

سرشناسه	: عمادی، سید وحید، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: دکلاماسیون در چارچوب امپریالیسم / مولف سید وحید عمادی.
مشخصات نشر	: تهران: اتا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۲ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۱۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۲۶-۶۳-۲:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شکل‌گرایی (نقد ادبی)
موضوع	: امپریالیسم
رده‌بندی کنگره	: ۹۸۲۲ ۱۳۹۴ ۸۶۸ ش/
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۰ ۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۷۱

انتشارات اتا

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۱، روبرو دین، ساختمان ناشران، ط زیرین

۰۹۱۹۹۶۰۱۹۰۰۲۱-۶۶۹۵۵۰۰۴

عنوان: دکلاماسیون در چارچوب امپریالیسم

مؤلف: دکتر سید وحید عمادی

حروف چینی: موسسه کهکشان ۶۶۹۵۵۰۰۴

ویراستار: حمید محمدی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۲۶-۶۳-۲

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

تیراژ: ۲۰۰۰

فهرست مطالب:

۷	مقدمه: رقصی به سوی خدا (نوشته دکتر حسین الهی قمشه ای).....
۱۲	مقدمه نویسنده.....
۱۳	امپریالیسم بالاترین مرحله قدرت طلبی.....
۱۴	حاجگاه امپریالیسم در تاریخ.....
۱۸	نظریه های کلاسیک سیاسی امپریالیسم.....
۲۵	نظریه کلاسیک مارکسیستی - لنینیستی.....
۴۳	تفاسیر جدید امپریالیسم.....
۵۲	امپریالیسم در آسیا.....
۵۵	فرمالیست چیست؟.....
۶۸	خطای عابر پیادم.....
۷۲	و آغاز کلمه بود.....
۷۸	فرم چیست؟.....
۸۶	هنر همچون فرایند.....
۱۱۷	دکلاماسیون در چارچوب امپریالیسم.....
۱۲۲	منابع.....

مقدمه: رقصی به سوی خدا

نوشته دکتر حسین الهی قمشه‌ای

گر دیده پاک عشق بگشایی نقشی نه که در، سرشت زیبا نیست

زیبایی این جهان کجا بیند چشمی که به نور عشق بینا نیست

الهی قمشه‌ای

چون آکنده از زیبایی است

از زمین پر پای، آسمان بالای سر

و از ابر و موج تا عذاب و باد

و از بیرنگی عشق

تا لطافت نگاه آهو

از افسون نظم تا نظام بی‌نظمی

از ریاضیات که شانه زلف پریشان عالم است

تا نسیم شعر که بید مجنون دل را پریشان می‌کند

همه جا نشانی از آن زیباست که نامش اوست

که نامش هوست

همه کائنات سرود خوان که هو، هو

و آدمیان فاخته سان که کو، کو

زیبایی حقیقت است،

و حقیقت زیبایی است،

و هر دو عین وجودند،

و هر سه عین عشقند،

و هر چهار همان شادی مطلقند،
 و هر پنج همان دل آدمی است که چون پنجه آفتاب
 جامی از شراب نور به دست جهانیان می دهد
 دل آدمی،
 اگر جور دهکده عالم جایگاه آب و ملک و دام و دد نباشد
 خانه عشت است
 و آنجا چون اطلال سرار آینه زلیخا
 به هر سو بنگرد،
 جز جمال یوسف و یوسف جمال چیزی نمی بیند

تا نقش تو در دیده ما خانه نشین شد
 هر جا که سیم چو فردوس برین شد
 مولانا

از خیال تو به هر سو که نظر می کردم
 پیش چشمم در و دیوار مصو می شد
 سعدی

مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست؟
 بدست مردم چشم از رخ تو گل چیدن
 حافظ

اگر به نصیحت مولانا که گفت:

جمال صورت یوسف ز وصف بیرونست

هزار دیده عاشق به وام خواه، به وام

از عاشقان خلیه جمالش که به تحیر منسو بند، دیده عشق وام کنی

و نماشای جهان پردازی،

جایی دیگر بینی،

پر از فرشته

پر از رقص

پر از آواز

پر از نقاشی

پر از تندیس‌های آسمانی

و چون «هادلوک لیس»

خواهی گفت:

زندگی رقصی است به سوی خداوند

گر چشم پاک عشق بگشایی بعالم

وز خاک کوی دلت بای توتیا را

هر ذره را رقصان بمهر دوست بینی

وز شوق دائم جنبش رقص و سما را

سر تا سر از غیب و شهود ملک هستی

فوج ملک بینی طبایع یا نری را

بینی نشسته بر فراز هر گیاهی

افراشته‌ای تا پروازند آن گیارا

الهی قمشه‌ای

روزی بیاید،

و آن روز دور نباشد

که آدمیان بدین نگاه در هم بنگرند

و آنچه فرشتگان را در پیش آدم بسجود آورد و در دیده یکدیگر ببینند

و با هم مهربان شوند.

آمین پس طبیعی رنگ‌ها چون پیوند عاشقانه انسان‌ها زیباست

رنگ آبی خاک را در آغوش می‌گیرد

چنانکه آسمان زمین را

و از این پیوند درخت و سرزه و گل و گیاه و دریاچه و جویبار پدید می‌آید

نقاش همچون باد برنگ‌ها می‌بازد و پیش می‌وزد

و از این ورزش بر دریای کوچک، رنگ موج‌ها و حباب‌ها پدید می‌آید

و دشت و صحرا و برف و بوران و طوفان پدید می‌شود

چنانکه در طبیعت

نقاش نقطه‌ای از رنگ را همچون موج وسعت می‌دهد و زمین پدیدار می‌شود،

چشمی بر آسمان کویر

چشمی در زیر زمین

چشمی بر لب دریا

و یا چشمی که چون خورشید از زمین می‌روید

طبیعت، همان نقاش پنهان

با قلم موی باد و باران

و جنبش خاک و گردش افلاک

هر دم هزار نقش بر بوم زمین و آسمان می‌آفریند
 که نقاشان جهان حیران می‌شوند کدام نظم و هماهنگی مرموز و پنهان
 منحنی ابرها و نیمرخ‌های پر دندانه کوه‌ها
 و رقص گستاخ و بی‌خیال امواج را

زیبایی بخشیده است

چه نظامی بر بی‌نظمی کوه و ابر و دریا فرمان می‌راند
 که هزار بی‌نقش را در سلسه گیسوی پریشان خود اسیر کرده است
 آیا می‌توان آنچه را که بوم کویر نقش می‌کند بر بوم کاغذ آورد
 با همان شفافیت رنگ و بی‌نیالی طرح
 آیا می‌توان، در هنر طبیعی، دیگر اثر کرد
 که با همان قوانین طبیعت "هی شکل گیرد؟

آیا می‌توان خط مشیت الهی را در طبیعت یافت و در هنر دنبال کرد
 و دانست که هر چه آن خسرو کند شیرین است،
 آیا می‌توان شعری به زیبایی یک درخت گفت
 و نقشی به زیبایی یک سنجاب کشید

و صدها هزار کافر عشق را مجاب کرد و گفت،
 مسلمانا مسلمانان مسلمانی ز سر گیرید

که کفر از شرم یار من مسلمان وار می‌آید؟

این نقاشی‌های کوچک شاید برقی پریده رنگ باشد از این سوادها و اندیشه‌ها و
 شاید هیچ نباشد.

مقدمه نویسنده:

وقتی در جامعه کنونی قدم می‌زنم با سخنانی از افکار موهوم رو به رو می‌شوم. افراد مختلفی که صرفاً بیان فرهنگ را دارند و افکارشان از سر نادانی پوسیده است. افرادی که حتی زبان مادری خود را زیر سوال می‌برند و درگیر تهاجم فرهنگی دستور زبان‌های ملل مختلف‌اند. زبان فارسی یکی از سخت‌ترین و شگفت‌انگیزترین زبان‌های دنیاست که بزرگانی همچون سعدی شیرازی، خیام نیشابوری و حافظ شیرازی از آن بهره برده‌اند و نماد ادبیات و احساسات کلامی را در زیباترین شکل به انگار گذاشته‌اند.

هنر در هزاران قالب و زبان بیان می‌شود، تئاتر، تجسمی، سینما، نمایشی، نقالی، شعر خوانی و...

دکلاماسیون بیان فرهنگ و هنر است که با بهره‌برداری از روایید مختلف در پوشش‌های اجتماعی، فرسنگ ادبی، سیاسی و... ظاهر می‌گردد. اینبار می‌خواهم دکلاماسیون را در قالبی هنری و در چارچوبی منظم به جامعه مخاطبینم ارائه کنم و منطقی ارزشمند را به فرهنگ و ادب کشورم مضاعف سازم.

دکتر سید وحید عثمانی

مدیر بنیاد بین المللی دکلمه

مسکو شهریور ۱۳۹۴